

امام حسن مجتبی

امام حسن (ع) فرزند امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و مادرش مهتر زنان فاطمه زهرا دختر پیامبر خدا (ص) است. امام حسن (ع) در شب نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت در مدینه تولد یافت. وی نخستین پسری بود که خداوند متعال به خانواده علی و فاطمه عنایت کرد. رسول اکرم (ص) بلا فاصله پس از ولادتش، او را گرفت و در گوش چپش اقامه گفت. سپس برای او بار گوسفندی قربانی کرد، سرش را تراشید و هموزن موی سرش - که یک درم و چیزی افزون بود - نقره به مستمندان داد. پیامبر (ص) دستور داد تا سرش را عطر آگین کنند و از آن هنگام آیین عقیقه و صدقه دادن به هموزن موی سر نوزاد سنت شد. این نوزاد را "حسن" نام داد و این نام در جاهلیت سابقه نداشت. کنیه او را ابومحمد نهاد و این تنها کنیه اوست. لقب های او سبط، سید، زکی، مجتبی است که از همه معروفتر "مجتبی" می باشد. پیامبر اکرم (ص) به حسن و برادرش حسین علاقه خاصی داشت و بارها می فرمود که حسن و حسین فرزندان منند و به پاس همین سخن علی به سایر فرزندان خود می فرمود: "شما فرزندان من هستید و حسن و حسین فرزندان پیغمبر خدایند". امام حسن هفت سال و خرده ای زمان جد بزرگوارش را درک نمود و در آغوش مهر آن حضرت بسر برد و پس از رحلت پیامبر (ص) که با رحلت حضرت فاطمه دو ماه یا سه ماه بیشتر فاصله نداشت، تحت تربیت پدر بزرگوار خود قرار گرفت. امام حسن (ع) پس از شهادت پدر بزرگوار خود به امر خدا و طبق وصیت آن حضرت، به امامت رسید و مقام خلافت ظاهری را نیز اشغال کرد، و نزدیک به شش ماه به اداره امور مسلمین پرداخت. در این مدت، معاویه که دشمن سرسخت علی (ع) و خاندان او بود و سالها به طمع خلافت (در آغاز به بهانه خونخواهی عثمان و در آخر آشکارا به طلب خلافت) جنگیده بود، به عراق که مقر خلافت امام حسن (ع) بود لشکر کشید و

جنگ آغاز کرد. ما در این باره کمی بعد تر سخن خواهیم گفت . امام حسن (ع) از جهت منظر و اخلاق و پیکر و بزرگواری به رسول اکرم (ص) بسیار مانند بود. وصف کنندگان آن حضرت او را چنین توصیف کرده اند: " دارای رخساری سفید آمیخته به اندکی سرخی ، چشمانی سیاه ، گونه ای هموار، محاسنی انبوه ، گیسوانی مجعد و پر، گردنی سیمگون ، اندامی متناسب ، شانه یی عریض ، استخوانی درشت ، میانای باریک ، قدی میانه ، نه چندان بلند و نه چندان کوتاه . سیمایی نمکین و چهره ای در شمار زیباترین و جذاب ترین چهره ها ". ابن سعد گفته است که " حسن و حسین به ریگ سیاه ، خضاب می کردند"

کمالات انسانی

امام حسن (ع) در کمالات انسانی یادگار پدر و نمونه کامل جد بزرگوار خود بود. تا پیغمبر (ص) زنده بود، او و برادرش حسین در کنار آن حضرت جای داشتند، گاهی آنان را بر دوش خود سوار می کرد و می بوسید و می بویید. از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده اند که درباره امام حسن و امام حسین (ع) می فرمود: این دو فرزند من ، امام هستند خواه برخیزند و خواه بنشینند (کنایه از این که در هر حال امام و پیشوایند). امام حسن (ع) بیست و پنج بار حج کرد، پیاده ، درحالی که اسبها نجیب را با او یدک می کشیدند. هرگاه از مرگ یاد می کرد می گریست و هرگاه از قبر یاد می کرد می گریست ، هرگاه به یاد ایستادن به پای حساب می افتاد آن چنان نعره می زد که بیهوش می شد و چون به یاد بهشت و دوزخ می افتاد، همچون مار گزیده به خود می پیچید. از خدا طلب بهشت می کرد و به او از آتش جهنم پناه می برد. چون وضو می ساخت و به نماز می ایستاد، بدنش به لرزه می افتاد و رنگش زرد می شد. سه نوبت دارائیش را با خدا تقسیم کرد و دو نوبت از تمام مال خود برای خدا گذشت.

گفته اندک : "اما حسن (ع) در زمان خودش عابد ترین و بی اعتنا ترین مردم به زیور دنیا بود". در سرشت و طینت امام حسن (ع) برترین نشانه های انسانیت وجود داشت . هر که او را می دید به دیده اش بزرگ می آمد و هر که با او آمیزش داشت بدو محبت می ورزید و هر دوست یا دشمنی که سخن یا خطبه او را می شنید، به آسانی درنگ می کرد تا او سخن خود را تمام کند و خطبه اش را به پایان برد. محمد بن اسحاق گفت : پس از رسول خدا (ص) هیچکس از حیث آبرو و بلندی قدر به حسن بن علی نرسید. بر در خانه فرش می گسترده و چون از خانه بیرون می آمد و آنجا می نشست راه بسته می شد و به احترام او کسی از برابرش عبور نمی کرد و او چون می فهمید، برمی خاست و به خانه می رفت و آن گاه مردم رفت و آمد می کردند."